

نقش عوامل داخلی در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

علیرضا مومن صفایی^۱

چکیده

با گذشت بیش از ۶۶ سال از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پخش مقالات و کتاب‌های بشمار، هنوز بحث پیرامون این واقعه تاریخی و پیامدهای آن از سوی پژوهشگران داخلی و خارجی همچنان ادامه دارد. هریک از این منابع و پژوهشگران ماجرا را از زاویه و دیدگاه خاص خود به رشته تحریر در آورده و بررسی نموده‌اند. حال هدف از این نوشتار روشننگری هرچه بیشتر و بهتر نکات مبهم کودتای ۲۸ مرداد، شناخت علل آسیب‌پذیری دولت مصدق در برابر مخالفان داخلی و بررسی علل عدم حضور مردم در روز کودتا بصورت بیطرفانه و شفاف می‌باشد. بر این اساس، به طرح این پرسش پرداختیم که عوامل داخلی کشور چه نقشی در شکست مصدق و به ثمر رسیدن کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ داشتند؟ در پاسخ به این پرسش، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بر پایه استفاده از منابع کتابخانه‌ای این فرضیه بیان می‌شود؛ به نظر، طراحان اصلی کودتا (آمریکا و انگلیس) توانستند از اصل غافلگیری، نفوذ داخلی در ارگان ارتش و رهبران جنبش و ایجاد شورش خیابانی در روزهای منتهی به کودتا، با استفاده از مزدبگیر و عوامل داخلی خود در کشور اسباب تخلیه خیابان‌ها از مردم و طرفداران مصدق را فراهم آورده و با حمله به مراکز حساس حکومتی، منزل مصدق و در نهایت شکست جنبش و پیروزی کودتا را به ثمر رسانند.

واژگان کلیدی: کودتای ۲۸ مرداد، مصدق، آیت‌اله کاشانی، برادران رشیدیان، عوامل داخلی کودتا

^۱ کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه رازی کرمانشاه rezasafaei23@gmail.com

مقدمه

کودتادی ۲۸ مرداد ۳۲ یکی از مهمترین وقایع تلخ سیاسی تاریخ معاصر ایران است که به سبب آن دولت منتخب مردم ایران با طراحی اجانب بدون هیچگونه مقاومت جدی عزل و دولت دست‌نشانده و استبدادی پهلوی با تلاش عوامل داخلی و خارجی به مسند قدرت بازگشت. جنبش ملی کردن نفت بیش از آنکه به مبارزه با شاه در داخل بپردازد مبارزه با وابستگی به بیگانه را وجهه همت خود قرار داده بود. مصدق اصل استفاده از ثروت ملی را به میان توده‌ها برد و مردمی کرد او می‌خواست ملت ایران همه نفت خویش را خود مالک باشند و بتوانند بدون مداخله انگلستان صنعت نفت خود را بچرخانند. اما مداخله قدرت‌های بیگانه با توسل به عوامل داخلی وطن‌فروش، مشکلات اقتصادی، اختلاف در رهبری جنبش و بسیاری دلایل دیگر در برابر ائتلاف مردمی، نقشه‌های مصدق را نقش بر آب کرد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد هیچکدام از قوای کشور دیگر از استقلال برخوردار نبود و شاه با توسل به احداث ساواک و همچنین افزایش قدرت نظامی خود به قدرت مطلق تبدیل شد.

در این مدتی که سال‌ها از وقوع کودتای ۲۸ مرداد می‌گذرد مقالات و پژوهش‌های زیادی به چاپ رسیده و در اکثر آنها آنچنان اختلاف دیدگاه و گرایش وجود دارد که ماهیت نهضت را نیز به زیر سوال برده است. پرسش اصلی مقاله این است: عوامل داخلی کشور چه نقشی در شکست مصدق و به ثمر رسیدن کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ داشتند؟ در پاسخ به این پرسش، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی برپایه استفاده از منابع کتابخانه‌ای این فرضیه بیان شد؛ که به نظر طراحان اصلی کودتا (آمریکا و انگلیس) توانستند از اصل غافلگیری، نفوذ داخلی در ارگان ارتش و رهبران جنبش و ایجاد شورش خیابانی در روزهای منتهی به کودتا، با استفاده از مزدوران و عوامل داخلی خود در کشور اسباب تخلیه خیابان‌ها از مردم و طرفداران مصدق را فراهم آورده و با حمله به مراکز حساس حکومتی، منزل مصدق و در نهایت شکست جنبش و پیروزی کودتا را به ثمر رسانند. و سوال‌های فرعی مقاله مطرح شده که عوامل داخلی در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چه کسانی بودند؟ علت عدم حضور اقبال مختلف مردم که پشتیبان و حامی اصلی مصدق بودند در روز کودتا ۲۸ مرداد چه بود؟ فرضیه سوال فرعی اول مقاله حاکی از آن است: عوامل داخلی کودتا به پنج رکن اصلی تقسیم می‌شدند که عبارت بودند از شاه و دربار؛ یاران، احزاب و جریان‌های سیاسی مخالف با شاه و مصدق؛ روحانیت؛ برادران رشیدیان، پشت کردن یاران مصدق و جنبش که در صفوف دشمن فعالیت داشتند و از همه مهمتر اشتباهات خود مصدق در حکومتداری را می‌توان عامل داخلی کودتا گفت. اما فرضیه دوم مقاله اطمینان و اعتماد مصدق و سران جنبش پس از پیروزی ۲۵ مرداد در شکست کودتا، خارج شدن ابتکار عمل از دست مصدق در روزهای منتهی کودتا، وجود عوامل نفوذی از جمله در ارتش و نظامیان تحت امر در دولت مصدق، اجرای دقیق و حساب شده طرح سران کشورهای آمریکا و انگلیس با همکاری عوامل وطن‌فروش داخلی از دلایل

مهم وجود اختلاف اقتدار در ۳۰ تیر و ضعف قدرت در ۲۸ مرداد دارد که در طول مقاله بطور کامل شرح داده شده است.

باتوجه به اهمیت این دوره تاریخی که سرآغاز همدلی فعالانه میان همه گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی بود. متأسفانه همچون دوره مشروطیت پس از کسب قدرت گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی به قلع و قمع و حذف یکدیگر پرداختند که با کودتای ۲۸ مرداد پایان غم‌انگیز نهضت رقم خورد.

مصدق در جبهه داخلی، با دشمنان کارکشته و فراوانی روبرو بود. وی در مبارزه با بریتانیا و عیادی او، دربار، مجلس و ارتش با مخالفانی سروکار داشت که در خدمت دشمن بودند و دانسته به میهن خود خیانت می‌کردند. مصدق در این پیکار بی‌امان، تنها به پشتوانه حمایت مردم متکی بود، ولی در کشوری که مسیر حرکت مردمی را به آسانی می‌توان تغییر داد و افراد به سهولت در جهت خیانت به کشور کشانده می‌شوند تنها به امید حمایت و یاری مردم، نمی‌توان پایگاه استواری فراهم ساخت. در اینجا باید درباره خیانت توضیحی داد. خیانت دریافت اخلاقی یک جامعه می‌تواند مطرح شود. باید پاره‌ای از باورها و ارزش‌های اخلاقی در یک جامعه قبول عام داشته باشد، تا مفاهیم مانند خیانت معنی پیدا کند. در جامعه‌ای که وزیر آن به نفع دشمن جاسوسی می‌کند، نماینده مجلس به خدمت اینتلیجنس سرویس‌در می‌آید و افسر فرمانده مامور دفاع از خاک کشور به دشمن وعده یاری می‌دهد از خیانت سخن گفتن مشکل است.

۱- مروری بر زندگینامه دکتر مصدق

محمد مصدق در ۲۹ اردیبهشت سال ۱۲۶۱ در تهران به دنیا آمد. پدر وی، میرزا هدایت‌اله آشتیانی معروف به «وزیر دفتر» از بزرگ مردان دوره ناصری و مادرش ملک تاج خانم، فرزند عبدالمجید میرزا فرمانفرما و نوه عباس میرزا ولیعهد قاجار و نایب‌السلطنه ایران بود. مصدق پس از تحصیلات مقدماتی در تبریز به تهران آمد و به مستوفی‌گری خراسان گمارده شد. وی در اولین انتخابات مجلس در دوره مشروطیت انتخاب شد ولی اعتبارنامه او به دلیل سن او که به ۳۰ سال تمام نرسیده بود، رد شد. مصدق در سال ۱۲۸۷ برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و پس از خاتمه به سوئیس رفت و به اخذ درجه دکترای حقوق در دانشگاه نوشاتل نائل آمد (مرکز اسناد اسلامی، ۱۳۸۴). بعد از پیروزی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ از همکاری با سران کودتا خودداری کرد. او در این هنگام والی حکومت فارس را داشت. در سال ۱۳۰۴ بعنوان نماینده تهران وارد مجلس شورای ملی گردید. و در جلسه نهم آبان ماه ۱۳۰۴ بود که با شجاعت و درایت تمام با تفویض پادشاهی به سردار سپه مخالفت کرد. در مجلس ششم (۱۳۰۴-۶) باز مصدق به نمایندگی انتخاب شد و تنها کسی بود

^۱ سازمان اطلاعات و امنیت خارجی بریتانیا

که سوگند وفاداری نسبت به شاه یاد نکرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۲۷)، و پس از استعفا از استانداری (والی‌گری) فارس عازم تهران شد ولی به دعوت سران بختیاری به آن دیار رفت. با پایان مجلس ششم و آغاز دیکتاتوری رضاشاه، مصدق‌خان‌نشین شد و تا اواخر سلطنت رضاشاه پهلوی به زندان افتاد. سالی که رضاشاه از سلطنت برکنار شد و مصدق به تهران برگشت. وی پس از شهریور ۲۰ و سقوط رضاشاه در انتخابات دوره ۱۴ مجلس بار دیگر در مقام وکیل اول تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد. در این مجلس برای مقابله با فشار روسیه برای گرفتن امتیاز نفت شمال ایران، او طرحی قانونی را به تصویب رساند که دولت از مذاکره در مورد امتیاز نفت تا زمانی که نیروهای خارجی در ایران هستند منع می‌شد. در سال ۱۳۲۸ مصدق اقدام به پایه‌گذاری جبهه ملی ایران کرد.

انتخابات مجلس شانزدهم با همه تقلبات و مداخلات شاه و دربار و صندوق‌های ساختگی، آراء تهران باطل شد و در نوبت دوم انتخابات مصدق به مجلس راه یافت. پس از ترور نخست‌وزیر وقت، طرح ملی شدن صنایع نفت به رهبری مصدق در مجلس تصویب شد. پس از استعفای حسین‌علاء، مصدق به نخست‌وزیری رسید و برنامه خود را اصلاح قانون انتخابات و اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت اعلام کرد. مصدق در سال ۱۳۴۲ همسر خود را از دست داد و خود در سال ۱۳۴۵ به دلیل بیماری سرطان به سن ۸۴ سالگی درگذشت. از او دو پسر و سه دختر باقی مانده است. او وصیت کرده بود که در کنار شهدای سی تیر در ابن‌بابویه دفن کنند ولی با مخالفت شاه روبرو شد و وی را در یکی از اتاق‌های خانه‌اش در احمدآباد به خاک سپردند (مرکز اسناد اسلامی، پیشین).

۱۰۸

۲- مروری بر دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق

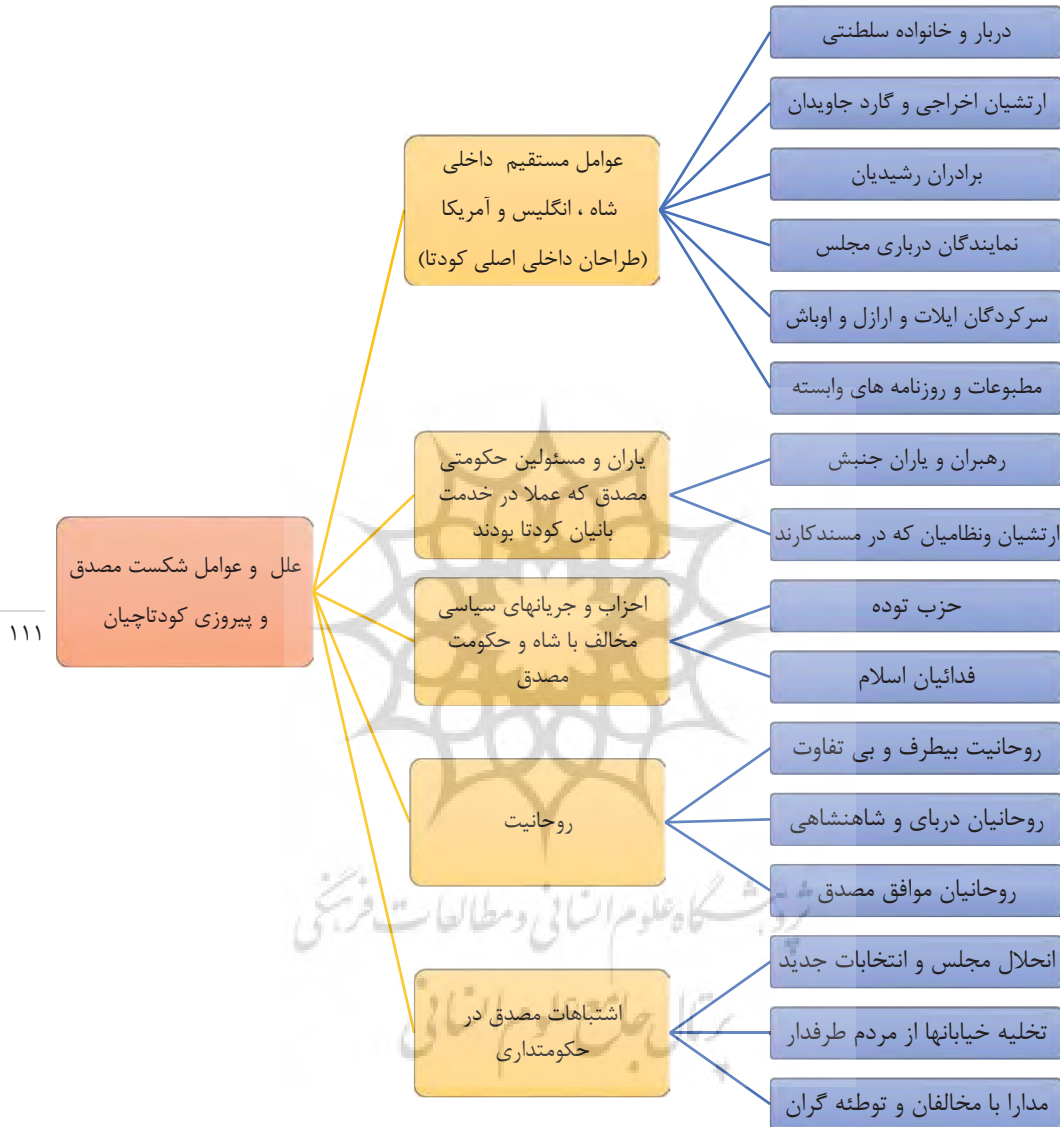
یک روز بعد از ترور نخست‌وزیر رزم‌آرا توسط فدائیان اسلام، کمیسیون نفت مجلس پیشنهاد ملی کردن نفت را به مجلس داد. مجلس شورای ملی در روز ۲۴ اسفند و مجلس سنا روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ پیشنهاد کمیسیون را به تصویب رساندند. در روز ۸ اردیبهشت ۱۳۳۰ مصدق با ۷۹ رأی موافق در برابر ۱۲ رأی مخالف نخست‌وزیر ایران شد. و در روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰ شاه رسماً قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از شرکت سابق نفت انگلیس و ایجاد شرکت ملی نفت ایران را اعلام نمود (فوران، ۱۳۷۷: ۴۲۷). بدنبال اقداماتی که دولت انگلیس در جهت کنار زدن مصدق و برگرداندن قوام برای پست نخست‌وزیری به انجام می‌رسانید و تلاش‌های مخفی آن دولت برای ایجاد نفاق‌افکنی بین سران جبهه ملی از طریق رشیدیان، مصدق ظاهراً از این فعالیت‌های آگاه شد، او در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۳۱ با واکنش ناگهانی و به دنبال مشاجره با شاه بر سر نظارت در امور ارتش از مقام خود کناره‌گیری کرد و شاه قوام را به نخست‌وزیری منصوب نمود (مرکز اسناد اسلامی، پیشین). برای نخستین بار بود که یک نخست‌وزیر آشکارا از شاه به دلیل نقض قانون اساسی انتقاد می‌کرد

جبهه ملی که از این تصمیم شاه بشدت خشمگین شده بود خواهان برپایی تظاهرات و اعتصابات سراسری شد. آیت‌اله کاشانی نیز با حالت شدیداللحنی قوام را دشمن دین و آزادی و استقلال ملی خواند و از مردم خواست تا در تظاهرات خیابانی شرکت کنند. در آن روز توده‌ای‌ها، مذهبی‌ها، ملی‌گراها همه با هم در خیابان‌ها با پلیس و ارتش درگیر شدند بیش از ۲۵۰ نفر در شهرهای مهم ایران از جمله تهران، همدان، اهواز، اصفهان و کرمانشاه کشته و یا بشدت زخمی شدند. عاقبت شاه مجبور شد که به خواسته مصدق و مردم احترام بگذارد. با این پیروزی قیام سی تیر در تاریخ ایران ثبت گردید (آبراهمیان، پیشین: ۳۳۳). مصدق پیروزی خود را با حمله‌های شدیدی علیه شاه، ارتش، اشراف زمین‌دار و مجالس سنا و ملی دنبال کرد، او سلطنت-طلبان را از کابینه اخراج کرد و خودش کفیل وزرات جنگ شد زمین‌های رضاشاه را به دولت بازگردانید، بخشی از بودجه دربار را قطع و به مداوای محرومان به وزارت بهداشت داد. بنیادهای خیریه سلطنتی را در نظارت دولت در آورد و شاهزاده اشرف خواهر دو قلوئی شاه را که فعالیت سیاسی و ضد جنبش ملی انجام می‌داد وادار به ترک کشور ساخت (تبعید کرد).

بدین ترتیب شاه در اردیبهشت ۱۳۳۲ همه قدرت و اختیاراتش را از دست داد. مصدق نام وزارت جنگ را به وزارت دفاع تغییر داد و ۱۵ درصد بودجه نظامی را کاهش داد و ۱۵ هزار نفر از ارتش را به ژاندارمری منتقل کرد ضمن اینکه ۱۳۶ نفر از افسران ارتش از جمله ۱۵ ژنرال نافرمان و افسرانی که در روز سی تیر ۱۰۹ به مردم تیراندازی کرده بودند را از ارتش بیرون کرد و تنی چند از افسران مورد اعتماد خود را به پست‌های مهم ارتش و نیروهای انتظامی گمارد (همان، ۳۳۷-۳۳۴). بروز این حوادث دگرگون‌هایی به دنبال داشت، روحیه ارتش بخصوص پس از آنکه مصدق گروهی از افسران را پاکسازی کرد بنحو بارزی تضعیف گردید و انگلیس‌ها و هواخواهان‌شان سخت به وحشت افتادند (مرکز اسناد اسلامی، پیشین). تمرکز همه قدرت‌ها در دست نخست وزیر موجب ترس و نارضایتی بعضی از اعضای ائتلاف مردمی از جمله آیت‌اله کاشانی رئیس مجلس و مظفر بقایی رهبر حزب زحمتکشان شد. آنان از ائتلاف مردمی بریدن و بطور غیرمستقیم به ائتلاف ضد مصدقی امثال دربار، کانون افسران بازنشسته، زمین‌داران انگلیس، بازرگانان و مخالفان مصدق در مجلس پیوستند (فوران، پیشین: ۳۴۵). از آنجائیکه مصدق مجلس را پایگاهی بر علیه خود می‌دید تنها راه مقابله با آن را انحلال دانست. همچنان که انتظار می‌رفت مصدق با کسب ۲/۰۴۳/۳۰۰ رای مثبت از مجموع ۲/۰۴۴/۶۰۰ رای در سراسر کشور پیروزی چشمگیری بدست آورد (۱۳۰۰ رای منفی) دربار از نفوذ نظامی و مالی و سیاسی محروم و شاه را به یک رئیس تشریفاتی تبدیل نمود، با انحلال مجلس وضع قانون اصلاحات ارضی و توسل مستقیم به انتخابات کنندگان مخالفت اشرف را هم از میان برداشته بود. افزون بر این شرکت

نفت ایران و انگلیس را ملی کرده بود، تأسیسات شیلات دریای خزر را از دست شوروی‌ها باز گرفته بود و بدین ترتیب سیاست موازنه منفی را عملی ساخته بود (همان، ۴۳۶-۴۴۰).

اما قدرت مصدق ناپایدار و غیرواقعی بود زیرا مصدق با کسب پیروزی‌های جدید متحدان پیشین خود را از دست داد، وی که اصلاحات اجتماعی گسترده‌ای را وعده می‌داد به مشکل درآمد در حال کاهش نفت، بیکاری روزافزون و قیمت‌های به شدت فزاینده کالاهای مصرفی گرفتار شد. او شادمان از نتیجه همه‌پرسی نمی‌دانست که گروهی از افسران ارتش دست‌اندر کار طراحی کودتا هستند. کودتایی که یک هفته بعد به سرنگونی او منجر می‌شود (آبراهمیان، پیشین: ۳۳۸-۳۳۷). اختیارات فوق‌العاده‌ای که مصدق از مجلس درخواست می‌کرد باعث آن شد که کاشانی این اختیارات فوق‌العاده را نوعی دیکتاتوری بداند و به روزنامه‌نگاران خارجی اعلام کند که برقراری دموکراسی حقیقی در ایران مستلزم اجرای درست و کامل شریعت است بقایای نیز مصدق را با هیتلر برابر دانست و ارتش را بعنوان سدی در برابر کمونیست ستود، خلیل مکی حزب جدیدی تشکیل داد و روزنامه‌ای به نام نیروی سوم تأسیس نمود و تا آخر از مصدق دفاع کرد. حزب ایران نیز پشتیبان مصدق باقی ماند. بدین ترتیب در مرداد ۱۳۳۲ تضادهای اساسی و پنهان بین طبقه متوسط سنتی و جدید علنی شد، در نتیجه مصدق اتحاد با سرکردگان نماینده بازار، مجاهدین اسلام، حزب زحمتکشان و فدائیان اسلام را از دست داده اما سه نماینده طبقه روشنفکر حزب ایران، حزب ملی و نیروی سوم برای او باقی ماند و افرادی همچون فاطمی، شایگان و رضوی هنوز به او وفادار ماندن (همان، ۳۴۲-۳۴۰). هنگامی که مصدق از مجلس خواست تا اختیارات فوق‌العاده او را برای دوازده ماه دیگر تمدید کنند کشمکش میان جناح‌های سنتی و جدید جبهه ملی و به اوج خود رسید، بیشتر نمایندگان روحانی در مخالفت با این درخواست جبهه ملی را ترک کردند و فراکسیون اسلام را تشکیل دادند (جهرمی، ۱۳۹۲). عدم تشکیل کمیته محلی و منطقه‌ای و گارد مخصوص به منظور دفاع از آرمان ملی و دولت منتخب که در صورت ضرورت بعنوان پشتیبان وارد عمل شود از عوامل بسترساز کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ می‌باشد (مقصودی، ۱۳۸۶، ۱۸۵).



نمودار (۱) چگونگی نقش عوامل داخلی در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

۳- شاه و طراحان اصلی کودتا (داخلی)

در رأس هرم قدرت ایران شاه جوان پهلوی قرار داشت که با اولین راهپیمایی و تظاهرات خیابانی مردم زمام امور اجرای را به مصدق بعنوان نخست وزیر کهنه‌کار داد و همین امر باعث به قدرت رسیدن نخست وزیر محبوب مردم و فرار پادشاه جوان از کشور و در ادامه خلعت از امور اجرایی کشور گردید. اما طولی نکشید تا با به خطر افتادن منافع استعمار کهنه‌کار انگلیس و ملی شدن صنعت نفت توسط مصدق، انواع فشارهای دیپلماسی و غیردیپلماسی از قبیل طرح دعوایی علیه ایران در مجامع بین‌المللی و سازمان ملل متحد، تحریم‌های اقتصادی و نظامی، حضور ناوگان‌های جنگی به آب‌های ایران و ... به حکومت ملی و مذهبی ایران وارد شد. اما جنبش ملی ایران به رهبری مصدق همچنان پیش می‌رفت.

همین امر سبب گردید استعمار پیر انگلیس با فشار بر شاه جوان ایران نقشه براندازی حکومت مردمی مصدق را پایه‌ریزی نمود و با کمک ایالات متحده آمریکا که جدیداً بعنوان کشوری پر قدرت در صحنه بین‌المللی ظاهر شده بود، توانست با استفاده از عوامل داخلی خود در کشور کودتای ننگین ۲۸ مرداد را پایه‌ریزی و به ثمر رساند. لذا در این تحقیق بر آن شده‌ایم برخلاف اکثر پژوهشگران که کودتا را فقط توسط کودتاچیان انگلیس و آمریکا می‌دانند، به نقش مزدوران وطنی و عوامل داخلی کودتای ننگین ۲۸ مرداد می‌پردازیم.

۳-۱- شاه، دربار و خانواده سلطنتی

محمدرضا پهلوی با وجود مخالفت شدیدش با دولت مصدق از بیم عواقب سوء شکست کودتا در ابتدا با برکناری وی موافق نبود زیرا دربار موفقیّت کودتا تردید بسیاری داشت او به خوبی آگاه بود که شکست کودتا، وی و خاندان سلطنتی و نظام پادشاهی را دچار عواقب وخیمی خواهد کرد. انگلیس برای تضمین موفقیّت کودتا مجبور بود که موافقت آمریکایی‌ها و همراهی آنها را طلب کند. توجه انگلیس به کسب موافقت شاه از سویی بدلیل شهرت نمادین وی در بین مردم بود و از سوی دیگر به خاطر اختیارات مهمی مثل عزل و نصب نخست وزیر و ... بود که قانون اساسی به او می‌داد. همچنین گروهی از افسرانی که به دستور مصدق اجباراً بازنشسته شده بودند با جانبداری وفادارانه از شاه در صف مخالفان مصدق قرار داشتند. روزولت ضمن برشماری مزایای حمایت شاه از کودتا می‌گوید، آخرین تضمین برای رفع شبهه و تردید شاه در براندازی مصدق و حمایت انگلیس و آمریکا از کودتا این بود که آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا این مطلب را با بیان جمله‌ای خاص و رمزی در یک سخنرانی که در سانفرانسیسکو ایراد خواهد کرد تأیید نماید و چرچیل نیز ترتیبی دهد تا در ساعت اعلام برنامه رادیو بی بی سی در شب بعد بصورت رمز بگویند *اکنون درست نیمه شب است*. که متقابلاً شاه در اوسط مرداد ماه این رمز را از رادیو بی بی سی دریافت نمود.

شیوه دیگر طراحان کودتا در برخورد با شاه بدان معنی بود که حمایت شاه از کودتا و حمایت انگلیس و آمریکا از تداوم سلطنت شاه برای هر دو طرف سودمند است و عدم همکاری شاه، تغییر حکومت شاه و تحکیم دولت مصدق را در پی دارد (ویلبر، ۱۳۸۰: ۱۶۰-۱۵۶). اسناد منتشر شده از سازمان سیا اشاره دارد که نقش شاه را بعنوان نقطه کانونی مخالفان معرفی کند: این طرح براساس این فرض نهفته است که همکاری شاه جلب شود. چنین همکاری به کودتای نظامی بهترین فرصت موفقیت را می‌دهد. ما به شاهدخت اشرف، خواهر همزاد پر قدرت و دسیسه باز شاه هم توجه داریم. وی مناسب‌ترین فردی است که بنظر می‌رسد می‌تواند شاه را به ایفای نقش‌اش وادار کند. ما مطمئنیم که اشرف مشتاقانه برای زمینه‌سازی سقوط مصدق همکاری خواهد کرد. بنابراین باید در اقامتگاه کنونی اشرف به دیدارش رفت و ماموریت را به وی تفهیم کرد و وی را به ایران بازگرداند (نوازی، ۱۳۷۹). گزارش دونالد ویلبر در تایید اطلاعات سابق گازیوزوسکی، نور بیشتری بر مسئله تشنجات در مجلس و کارشکنی فراکسیون مخالف می‌تابد. در بیست ماه می ۱۹۵۳ به شعبه سیا در تهران اجازه داده می‌شود تا به منظور پرداخت رشوه و خریدن بعضی از نمایندگان مجلس، هفته‌ای یازده هزار دلار کنار بگذارد (ویلبر، پیشین: ۱۸).

۳-۲- ارتشیان اخراجی و گارد جاویدان

۱۱۳

افسران سلطنت‌طلب با گسترش شبکه‌های مخفی دولت را بی‌ثبات ساختند. عده‌ای چاقوکش و اوباش استخدام کردند تا با حمل پرچم‌های توده به مساجد حمله و بی‌حرمتی کنند. سر تیپ افشار طوس افسر برجسته طرفدار مصدق را کشتند و جسد مثله شده‌اش را در اطراف تهران انداختند تا هشدار به دیگر افسران پشتیبان مصدق باشد (بهنود، ۱۳۹۰: ۳۷۷). یکی از کانون‌های مهم مخالفت و توطئه علیه دولت مصدق و بازوی اجرایی کودتا گروهی از نظامیان بودند که در رأس آنان سر لشگر فضل‌اله زاهدی در کانون افسران بازنشسته برعهده داشت. آنان همواره به شیوه‌های مختلف علیه دولت مصدق فعالیت می‌کردند، پس از غائله نهم اسفند ماه ۳۱ کمیته‌ای تشکیل شد که برای اصلاح ساختار ارتش گروهی دیگر از افسران را بازنشسته اعلام نمودند. از این پس افسران مذکور به کانون مخالفت با دولت مصدق تبدیل شدند. اقدام دیگر افسران مخالف دولت شرکت در توطئه قتل سرلشگر محمود افشار طوس رئیس شهربانی دولت مصدق بود. طراحان توطئه هدف‌شان آن بود که عده‌ای از وزیران و دیگر مقامات ارشد دولت مصدق از جمله فاطمی، ریاحی، شایگان، معظمی و تیمسار مهنا را به بهانه‌های گوناگون غافلگیر کرده و با ناکارآمد کردن دولت و استیضاح و رأی اعتماد آن دولت را ساقط کنند (ویلبر، پیشین: ۲۰۵-۱۹۷). در کودتای ۲۸ مرداد که کودتا لو رفت زاهدی و افسران ارشد ارتش که در طرح کودتا نقش داشتند به تکاپو افتاده و سعی نمودند نقشه و طرح کودتا را بطور دیگری به اجراء درآورند. سرلشگر هدایت گیلانشاه در اینبار می‌گوید هدف ما

این بود که با موافقت فرمانده لشکر اصفهان و فرمانده تیپ کرمانشاه دولت قانونی خود را در یکی از شهرستان‌های مزبور تشکیل داده و با اعلام استقلال واحدهای ارتشی و انتظامی کرمانشاه و اصفهان سایر واحدهای اهواز، خرم‌آباد و کرمان را هم که شاه‌دوستی و میهن‌پرستی فرماندهان آن تردید نداشتیم با خود همدست و جنوب ایران را از مرکز مجزا کنیم و به تدریج به پایتخت حمله و حکومت مصدق را ساقط کنیم پس از کودتا بعضی از فرماندهان با یک درجه ترفیع و نشان‌رستاخیز هدیه خود را از شاه دریافت کردند و حتی بعضی از آنان نشان ویژه‌ای از دولت آمریکا اعطاء شد از جمله نادر باتمانقلیچ یکی از آن افراد بود (همان، ۲۰۶-۲۰۷).

۳-۳- برادران رشیدیان (بوسکویه)

نخستین چهره سرشناس این خانواده حبیب‌اله رشیدیان پدر خانواده است، وی در سال‌های پیش از کودتای ۱۲۹۹ در سفارت انگلیس در شبکه‌چی این سفارت بود، مقامات سیاسی انگلیس نیز به این مستخدم ایرانی اعتماد داشته و برای عملیات جاسوسی و ارتباط با عوامل بومی خود از او بهره می‌گرفتند در نتیجه همین موقعیت‌ها بود که حبیب‌اله رشیدیان پس از آشنایی با سید ضیاء‌الدین طباطبایی خود را به سفارت انگلیس معرفی کرد و این حرکت او پس از کودتای سید ضیاء‌الدین و رضاخان اهمیت تاریخی یافت. پس از سقوط رضاشاه حبیب‌اله مشاور مخصوص سید ضیاء‌الدین طباطبایی گردید. اسداله که نقش بسیار پررنگی در کودتا از بقیه برادران داشت یک شخصیت متظاهر و شیاد شناخته شده بود به همین خاطر نیز شاه او را در قواره‌ای نمی‌دانست که در چنان موقعیت حساسی به او اعتماد کند و وی را بعنوان نماینده بریتانیا بشناسد (شهبازی، ۱۳۸۷: ۹۴).

کریمیت روزولت ضمن همکاری خود در عملیات کودتا از دو برادر ایرانی که نام رمز و مستعار برادران بوسکویه یاد می‌کرد گفته بود که بسیار لایق و فعال می‌باشند و می‌توانیم در جلب حمایت بازار از آنها کمک بگیریم (نجاتی، پیشین: ۲۱). در وهله اول اسداله رشیدیان بعنوان نماینده دولت انگلیس ملاقات و او موافقت کرد که هر آنچه از وی خواسته شود انجام دهد. دومین پیک شخص اسداله رشیدیان در نقش عامل اصلی اینتلیجنس سرویس بود مطابق نقشه ماموریت نخستین وی درباره شاه این بود که او را متقاعد سازد سخنگوی رسمی دولت انگلستان است به دنبال آن طرح دیگری مبنی بر وا داشتن شاه به انتخاب یک عبارت کلیدی که در تاریخ‌های مشخص از برنامه فارسی بی بی سی پخش شود پیگیری شد، که در لندن ترتیبات لازم داده شد در اول ماه اوت مصادف با یازدهم مرداد شاه پیام پخش شده از بی بی سی را شنید و مطمئن گردید که اسداله رشیدیان بعنوان سخنگوی رسمی دولت انگلیس می‌باشد.

در روز ۲۸ مرداد ساعت ۱۰ صبح با پایگاه سیا در تهران تماس گرفته شد و به برادران رشیدیان شروع کودتا را اعلام نمودند و برای جذب نیروهای انتظامی به جانب تظاهر کنندگان رفته و تلاش کند که با تشویق و

ترغیب آنها اقدام به تصرف رادیو تهران نماید، رشیدیان که سراپا غرق در شادی و شغف بود به تظاهر کنندگان پیوست (ویلبر، پیشین: ۹۰). ووهاوس در مورد هزینه عملیات کودتا و دستمزدی که به برادران بوسکویه داده شده بود فاش ساخت البته این چنین عملیاتی خرج زیادی داشت و شاید نیم میلیون پوند برای این کار لازم می‌شد، علاوه بر آن هم باید ماهی ده هزار پوند به برادران رشیدیان می‌پرداختیم که تمام این مراحل به حمایت ممتد آمریکا نیاز داشتیم (نجاتی، پیشین: ۲۰).

۳-۴- مطبوعات، روزنامه‌های وابسته

مطبوعات یکی از ابزارهای بسیار مهم برای زمینه‌سازی اجرای کودتا و آماده کردن افکار عمومی برای پذیرش آن بود. وجود فضای باز سیاسی، آزادی بیان و قلم در دوره زمامداری مصدق گستردگی و میزان تأثیرگذاری تبلیغات مطبوعاتی را افزون‌تر می‌کرد. بدامن یک برنامه تبلیغاتی و سیاسی بود که آن را شبکه‌ای به سرپرستی دو ایرانی به نام‌های رمزی نرن و سیلی اداره می‌کرد در این زمینه بودجه‌ای سالانه‌ای معادل یک میلیون دلار هزینه می‌شد. در دوره حکومت مصدق نیز هنگامی که دولت‌های انگلیس و آمریکا در مورد کودتا بر علیه دولت حاکم در ایران به توافق رسیدند ابتدا شبکه بدامن گسترش دادند. در اسناد منتشر شده توسط سازمان سیا در بخشی از طرح کوتاه از مطبوعات با عنوان عناصر خاص یا عوامل ویژه یاد شده و وظایف آن چنین بیان شده است: در مدت زمان پشتیبانی مقدماتی، گروه بریتانیایی به استفاده از روزنامه‌های بیشمار کوچکتر برای پیشبرد یک شیوه ضد مصدق ادامه خواهد داد در مرکز فرماندهی و پایگاه عملیاتی کارکنان ایالات متحده متنی‌هایی را برای مقالات و اعلامیه‌های و جزوات آماده می‌کنند و این متون را که پاره‌ای در هواداری از شاه و برخی در ضدیت با مصدق است به فارسی انتشار خواهند داد.

همگام با این مطالب یک گزارش مستمر ارائه خواهد شد دال بر اینکه مصدق ناآگاهانه قربانی خیانت و جاه‌طلبی مشاوران خود شده است. از مسائل اساسی آن است که زاهدی باید بیدرتنگ فردی را برای مقام مدیر مطبوعات و تبلیغات برگزیند که همچنین ممکن است معاون نخست وزیر هم بشود. در حالیکه در روز ۲۷ مرداد تنها شاهد روزنامه بقایی فرمان شاهانه را مبنی بر انتصاب زاهدی در مقام نخست وزیر به چاپ رسانیده بود، سپیده دم روز ۲۸ مرداد فراد می‌توانستند رونوشت و نسخه حروف‌چینی شده این فرمان را در روزنامه‌های ستاره اسلام، آسیای جوان، ارم، مرد آسیا، ملت ما و ژورنال دو تهران ببینند. افزون بر چهار روزنامه نخست روزنامه شاهد و داد گویا مصاحبه‌ای با زاهدی ترتیب داده بودند که او در آن اظهار داشته بود که دولت‌اش تنها دولت قانونی است. این مصاحبه را (جلیلی جاسوس آمریکایی) جعل کرده بود. نیز اندکی پس از آن در صبحگاه همان روز نخستین شماره از هزاران نسخه اعلامیه‌هایی که رونوشت فرمان شاه و متن بیانیه زاهدی را در بر می‌گرفت در خیابان‌ها دیده می‌شدند (همان، ۱۳۶).

۳-۵- نمایندگان درباری (مجلس ملی و سنا)

برای نهادینه کردن انتخابات سالم، دولت مصدق اصلاح قانون انتخابات مجلس را در دستور کار خود قرار داده بود. ولی فراکسیون اقلیت به رهبری جمال امامی و میر اشرافی در دوره هفدهم با یک هماهنگی سیاسی با اغتشاشات و مانورهای کارشکنی، موانع ایجاد کرده و از پیشرفت کار دولت جلوگیری می‌کردند. همانطور که از مدارک محرمانه سازمان سیا هویداست، انگلیس و آمریکا بودجه مخصوصی برای تقویت نمایندگان مخالف در نظر گرفته بودند. مخالفین با ربودن و ترور سرتیپ افشار طوس رئیس کل شهربانی کشور درصدد سقوط دولت برآمدند. با آنکه مظفر بقایی که با مصدق تا تیر ماه ۳۱ همکاری داشت در این حادثه دست داشت. ولی نمایندگان مخالف از تعقیب و دستگیری مشارالیه به عناوین مختلف جلوگیری کردند (آبادیان، ۱۳۷۷: ۲۵). در رابطه با آشفته کردن برنامه دولت و مجلس معاون وزیر امور خارجه انگلیس در ملاقات با شاه متذکر می‌شود که برای کنار گذاشتن مصدق برنامه‌های غیرمستقیم و پشت پرده لازم است و در مجلس پیشرفت-هایی حاصل شده است (گازویوزوسکی، ۱۳۶۸: ۲۸۰). طی ماه‌های خرداد و تیر ۱۳۳۲ موقعیت مصدق، بیش از پیش متزلزل شده بود میان هواداران و مخالفان مصدق و توده‌ای‌ها تقریباً همه روزه تظاهرات و برخوردهایی روی می‌داد. مجلس شورای ملی، صحنه بحث‌ها و گفتگوهای بی‌نتیجه میان موافقین و مخالفین مصدق بر سر مسائلی چون آشوب اسفند ماه؛ نقش بقایی در قتل افشارطوس؛ کنترل ارتش و انتخاب رئیس جدید مجلس شده بود. در دهم تیر ۱۳۳۲ انتخاب رئیس مجلس با پیروزی عبدالله معظمی، یکی از طرفداران مصدق با احراز ۴۱ رأی بد برابر ۳۱ رأی بجای کاشانی به پایان رسید. و مصدق پیروزی بزرگی را کسب کرد. اما مخالفین تهدید کردند که مانع از تشکیل حد نصاب در مجلس خواهند شد و مصدق را مجبور به متوسل شدن به فرمانروا نمودند (همان، ۳۳).

۱۱۶

۳-۶- ارازل و اوباش

در طول دوره نخست وزیری مصدق اوباش و چاقداران در چندین رویداد سیاسی ایفای نقش نمودند که با هزینه‌های سازمان اطلاعاتی انگلیس و آمریکا هدایت عمال آنها در داخل کشور صورت گرفت، آنان در غائله نهم اسفند ۱۳۳۰ که توطئه‌ای حساب شده بر ضد مصدق و به احتمال زیاد به منظور کشتن او بود آشکارا بدون هراس از نیروهای نظامی و انتظامی حضور فعال داشتند دومین حضور عمده اوباش و چماقداران بگونه‌ای سازمان یافته و از پیش طراحی شده در طی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود بعد از ظهر ۲۷ مرداد هنگامی که فرمانداری نظامی تهران پایان تظاهرات مردم را اعلام می‌کرد محمود مسگر یکی از گردانندگان شهر نوی (محل فاحشه‌های تهران) و رمضان یخی با گروهی دیگر به خیابان‌های لاله‌زار و نادری یورش بردند آنان با

همراهی تعدادی از گروه‌بان‌های ارتش که لباس شخصی به تن داشتند تظاهراتی به طرفداری از شاه برپا کردند.

ووهوس خاطر نشان می‌کند که کرمیت روزولت در مدت کوتاهی توانست که امواج مخالف با شاه را تغییر جهت دهد و با همدستی برادران رشیدیان و ارتشیان، اوباش همیشه آماده خیابانی را به طرفداری از شاه سازمان دهد به نقل از شاهدان عینی تظاهرات اوباش را بدینگونه توصیف می‌کند؛ شبان بی‌مخ که روز کودتا در زندان بود ساعاتی پیش از شروع کودتا با همکاری ماموران شهربانی و فرمانداری نظامی از زندان شهربانی آزاد شد و به تظاهر کنندگان پیوست او پیشاپیش اتومبیل‌های هوادارانش به راه افتاد تا به همدستی گروه‌های دیگر یکی پس از دیگری خیابان‌های تهران را تصرف کرد. چهار دسته نیز از جنوب شهر برای تظاهرات شاه دوستانه و قیام علیه مصدق به طرف شمال شهر و تسخیر خانه مصدق راه افتادند که از همه سرکردگان آنها پس از کودتا تقدیر بعمل آمد. شعبان بی‌مخ با پولی که گرفته بود زورخانه‌ای ساخت که بدست شاه (شخص اول مملکت) افتتاح شد، به طیب حاج رضایی یک قطعه مدال درجه ۲ رستاخیز اعطاء گردید و تمامی سرکردگان ارازل و اوباش پس از کودتا مورد تقدیر شاه قرار گرفتند (ویلبر، پیشین: ۱۹۵).

۴- احزاب و گروه‌های سیاسی (مخالف نظام شاه و حکومت مصدق)

۱۱۷

۴-۱- نواب صفوی و فدائیان اسلام

بدون شک همکاری و اتحاد مصدق، کاشانی و فدائیان اسلام در به ثمر رسیدن نهضت حل نفت تأثیر بسزایی داشت اما متأسفانه طی مدت کوتاه اختلاف زیادی در صفوف آنها بوجود آمد. بنابر گفته خود مصدق او اولین تهدید را از جانب فدائیان اسلام دریافت کرده بود. فدائیان اسلام که در آغاز نخست وزیری مصدق با انتشار اعلامیه‌ای خواستار تصویب و اجرای چهار اصل در کشور شدند که عبارتند از: (۱) اجباری شدن حجاب؛ (۲) ممنوعیت فروش و مصرف مشروبات؛ (۳) اخراج کارکنان زن از دوایر دولتی؛ (۴) اجباری شدن شرکت کارکنان دولت در نماز جماعت. فدائیان این طرح را به کاشانی دادند و از وی خواستند این اصول چهارگانه را در مجلس طرح و تصویب گردد. که پس از نظر منفی مصدق و کاشانی خود را رو در روی نهضت قرار دادند. رفتارهای اشتباه فدائیان بنام اسلام باعث آن شد که از طرف آیت‌اله العظمی بروجردی مرجع تقلید شیعیان به شدت با فعالیت‌های آنها مخالفت شود و بر لزوم برجیدن مراکز آنها از مدرسه فیضیه قم پافشاری گردید. اختلافات به جایی رسید که به کاشانی توهین کرده و مصدق را تهدید به کشتن نمودند. توهین‌های آنان به کاشانی باعث اعتراض جمعی از روحانیون از جمله آیت‌اله خوانساری شد و از طرفی موجبات تفرقه و شکاف بین اعضای فدائیان اسلام گردید و تهدیدهای آنان به مصدق باعث شد که مصدق از ترس جان به مجلس پناه بدهد و در آنجا متحصن شود.

۴-۲- حزب توده

حزب توده که داعیه پیشگامی مبارزه ضد استعماری توده‌های ایران را یدک می‌کشید از اینکه می‌دید مصدق و ائتلاف جبهه ملی رهبری جنبش را برعهده گرفته‌اند و از پشتیبانی اکثریت مردم نیز برخوردارند سخت خشمگین بود و به همین سبب مخالفت و کارشکنی سرسختانه‌ای را با دولت مصدق رهبری می‌کردند. حزب توده که در بیشتر دوران مصدق سیاست ابراز دشمنی آشکار، تضعیف مصدق و ایجاد تفرقه در صفوف نهضت را پیش گرفته بود، خطر دشمن اصلی و واقعی را نادیده گرفت و در زمان ۲۸ مرداد به کلی از حرکت باز ایستاد و منتظر آن شد تا هم نهضت و هم خودش را بطور کلی قلع و قمع کنند (مقصودی، پیشین: ۱۳۴). در روزهای نزدیک به کودتای ۲۵ مرداد ۳۲ اخبار و شایعات بسیاری درباره کودتای قریب‌الوقوع علیه دولت مصدق وجود داشت مسلماً حزب توده نیز از طریق سازمان افسران خود که در رده و واحدهای مختلف ارتش جای داشتند از انجام کودتا با خبر شده بودند. روز ۲۳ مرداد روزنامه شجاعت که به جای روزنامه بسوی آینده نظرات حزب توده را منعکس می‌کرد با اعلام خیر کودتای قریب‌الوقوع دستور آماده‌باش حزب را می‌دهد و اعلام می‌کند که دشمنان ملت قصد دارند که با یک کودتای نظامی زمام امور را به دست گیرند و نهضت ضد استعماری ملت ما را به نفع اربابان خود تغییر دهند (ویلیبر، پیشین: ۲۲۰-۲۱۳). سازمان جاسوسی انگلستان با هدایت شاپورچی در داخل و کریستوفر ودهاوس در انگلستان، با کارگردانی اسداله علم به جذب تعدادی از کمونیست‌های سابق پرداخت و با به خدمت گرفتن آنها فعالیت‌های مختلفی را در پوشش حزب توده انجام داد. این گروه انگلیس نفوذی در حزب توده که در بین مردم به توده نفتی مشهور بودند با تبلیغات علیه مذهب و روحانیت و معتقدات دینی این باور را در میان مردم ایجاد می‌کردند که دولت مصدق دولتی ضد مذهبی و زمینه‌ساز نفوذ کمونیست‌ها است. اسداله علم با جذب چهره‌های روشنفکر، مطبوعاتی و سیاسی یکی از موثرترین اجزای این عملیات بوده است. در آن ایام شبکه بدامن تا سطوح عالی تشکیلات حزب توده رخنه کرده بود و از متن تمام دستورات رهبری حزب به کاردها اطلاع داشت (گازویوزوسکی، ۱۳۷۱: ۲۷).

پیتر آوری مورخ انگلیسی در این خصوص می‌نویسد: اورل هریمن در ۲۳ تیر ۱۳۳۲ وارد تهران شد هنگام ورود او به تهران تظاهرات شدیدی صورت گرفت که در نوع خود بی‌سابقه بود. در زد و خوردی که میان اعضای جبهه ملی در میدان بهارستان صوت گرفت بیست نفر کشته و نزدیک به سیصد نفر مجروح شدند. مصدق رئیس شهربانی کل کشور سر لشکر بقایی را به جرم شدت عمل نسبت به تظاهر کنندگان برکنار کرد (پیتر، ۱۹۵۱: ۳۷۱). اما بعد جمیز بیل، محقق آمریکایی که اطلاعات دست اولی نیز در اینباره داشته است می‌نویسد: این تظاهرات ظاهراً از سوی حزب توده ولی در باطن از سوی عوامل انگلیس ترتیب یافته بود. اکثریت مردم ایران نسبت به حزب توده بسیار بدبین بودند. از طرفی عملیاتی موسوم به عملیات (سیاه) که توسط بدامن سرپرستی می‌شد شامل حمله مستقیم به هواخواهان و وابستگان شوروی سابق در ایران از جمله

حزب توده بود. عملیات سیاه نفوذ عوامل تحریک در تظاهرات حزب توده با اعمال روش‌های خشن و خلاف اصول و اخلاق، پرداخت پول به چهره‌های سرشناس مذهبی برای متهم ساختن حزب توده به ملحد بودن و ترتیب دادن حمله به مساجد و شخصیت‌های مملکت، به نام حزب توده را نیز شامل می‌شد (گازپوروسکی، پیشین: ۴۲).

۵- یاران و مسئولین حکومتی مصدق

۵-۱- عده‌ای از رهبران جنبش، وزرا و نمایندگان مجلس

آیت‌اله سید ابوالقاسم کاشانی یکی از چهره‌های سرشناس روحانیت بود که از همان آغاز از جنبش ملی حمایت کرد و نقش موثری در مبارزه برای ملی شدن نفت ایفا کرد ولی همکاری او با جبهه ملی و دولت مصدق دیری نپایید. جدایی کاشانی از نهضت و جانبداری از دربار همچنین مخالفت چند تن دیگر از روحانیون با دولت در شکست نهضت ملی تأثیر زیادی داشت و تبریک مرجع تقلید شیعیان به مناسبت پیروزی کودتای ۲۸ مرداد و بازگشت شاه، عامل موثری در تثبیت رژیم کودتا بود (نجاتی، پیشین: ۸). زاهدی که قبلاً وزیر کشور دولت مصدق بود و رشیدیان‌ها کمی بعد از سی تیر و بازگشت مصدق به قدرت، توطئه علیه او را آغاز کردند. یکی از فرستادگان کاشانی و چند تن از رهبران جبهه ملی از جمله مکی، بقایی و ابوالحسن حائری‌زاده،^{۱۱۹} نزد زاهدی رفتند و ناراضی خود را نسبت به مصدق اعلام داشتند. ظاهراً کاشانی حاضر شد از زاهدی حمایت کند و در عوض اختیاراتی در تعیین وزیران کابینه بعد از کودتا داشته باشد. از این پس کاشانی، مکی، بقایی و حائری‌زاده با قبول همکاری بی‌پایه‌ای با زاهدی علیه مصدق برخاستند و در زمره مخالفان سرسخت وی در آمدند. بیشتر چهره‌های سیاسی ایران در این دوره بی‌نهایت جاه‌طلب و فرصت‌طلب شده بودند و هرکدام می‌توانستند دلایل در توجیه روی گرداندن خود از مصدق عنوان کنند (گاز پوروسکی، پیشین: ۲۸).

شبکه بدامن و اعضای ایرانی آن، با حفظ استتار خود با سازمان سیا آمریکا رهبران گروه‌های مختلف را با پول می‌خریدند. در یک موارد شایان توجه، یکی از ماموران سیا در سپتامبر یا اکتبر ۱۹۵۲ با بقایی تماس گرفت و او را به جدایی از مصدق تشویق کرد. بقایی بعدها پول هم دریافت کرد. با بررسی عملیات بدامن چنین بنظر می‌رسید که سیا به رغم آنکه نقش عمده‌ای در این عملیات ایفا کرده است. بدامن برای جدایی کاشانی و هوادارانش از جبهه ملی کوشش‌هایی به عمل آورد. تبلیغاتی که در این زمینه صورت گرفت گاه بصورت بسیار ابتدایی و مبتذل بود، مصدق را چهره‌ای فاسد و پلید ترسیم می‌کرد که از نفوذ کاشانی سوء استفاده و بهره‌برداری می‌کند. به ملایی موسوم به محمد تقی فلسفی نیز پول داده شد تا یک سازمان مذهبی در رقابت

با کاشانی ایجاد کند. روحانیون دیگری نیز به ایجاد موضع بنیادگرا تر به منظور فاصله گرفتن از مصدق و نیز تفرقه میان احزاب مزبور بعمل آمد مقامات سیا خود رهبری بدامن را بعهدده داشتند (همان، ۲۸).

۵-۲- تعدادی از ارتشیان و نیروهای انتظامی

اواخر آوریل ۱۹۵۳ م، اردیبهشت ۱۳۳۲ حادثه دیگری روی داد. سرتیپ افشار طوس رئیس شهربانی کل کشور ربوده شد و به قتل رسید. زاهدی، بقایی و تعدادی از همدستان وی از جمله پسر! متهم به همدستی در این جنایت شدند و قرار بازداشت آنها صادر شد. چهار گروه عمده در ماجرای کودتا دست داشتند نخست نقش آشکاری است که زاهدی و همدستان نزدیک وی چون پسرش اردشیر، ابوالقاسم بختیار و افسرانی مانند حجازی، نصیری، گیلانشاه و سرهنگ تیمور بختیاری ایفا می‌کردند. دیگر همدستان وی یا فرماندهی واحدهای نظامی را عهده‌دار بودند و یا در امر کودتا بطور موثری نقش پشتیبانی داشتند. گروه دوم یاران سابق مصدق چون کاشانی و بقایی بودند که در سال آخر حکومت مصدق، باری تضعیف پایگاه‌های مردمی او تلاش می‌کردند. گروه سوم رشیدیان، نرن و سیلی بودند که نقش عمده‌ای در کودتا و همچنین نظارت بر فعالیت‌های ضد مصدقی در دوران پیش از کودتا ایفا کردند و بالاخره شخص شاه که به رغم تردید و تزلزل با قبول و تایید کودتا نقش موثری داشت، گذشته از افراد شناخته شده و مشخص تعداد نسبتاً معدود ولی نامشخصی از ایرانیان چه بطور داوطلب و یا اجیر در تظاهرات ضد مصدق و یا عملیات دیگر مشارکت داشتند (همان، ۴۰).

در روز ۲۸ مرداد واحدهای نظامی طرفدار مصدق هیچ دخالتی بر ضد کودتا نکردند جمعیت به خانه مصدق رفت سرهنگی به نام رحیمی وارد یکی از تانک‌ها شد و خانه مصدق را به توپ بست ولی مصدق موفق شد از بام خانه به خانه همسایه فرار کند و ماجرا به سادگی خاتمه یافت آنان توانستند بدون کمک نیروهای نظامی اصفهان و کرمانشاه با بسیج گروهی از اوباش و نظامیان طرفدار شاه روز ۲۸ مرداد به هدفشان که سرنگونی مصدق بود برسند (ویلبر، پیشین: ۲۰۶). بیشتر عناصر نظامی و انتظامی که در دستگاه مصدق بودند از طرفی هم پیمان با عوامل کودتا بودند و بستر ساز کودتای ۲۸ مرداد بشمار می‌آمدند. از همه مهمتر سرتیپ تیمور بختیار فرمانده منطقه کرمانشاه بود که از مخالفان سرسخت دولت مصدق شمرده می‌شد. در کمیته مخفی نجات ملی چهره‌های برجسته نظامی حضور داشتند این کمیته همچنین با سرویس مخفی انگلیس از جمله سرهنگی نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی، سرلشکر گیلانشاه فرمانده نیروی هوایی، سرلشکر تیمور بختیار عمومی ملکه ثریا و فرمانده لشکر زرهی کرمانشاه و بسیاری دیگر. پس از کودتا بعضی از فرماندهان با یک درجه ترفیع و نشان رستاخیز هدیه خود را از شاه دریافت کردند و حتی به بعضی از آنان نشان ویژه‌ای از دولت آمریکا اعطاء شد از جمله نادر باتمانقلیچ که یکی از آن افراد بود (همان، ۲۰۵-۱۹۷).

۶- روحانیت

در ساختار اجتماعی ایران، روحانیت تشیع جایگاه ویژه‌ای دارد. در این ساختار مناسبات روحانیت با توده‌های مردم در ارتباط با مصالح جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است این مناسبات طی قرن گذشته از جهت مثبت و منفی یکی از عوامل اساسی در مبارزات ملی و مقاومت‌های مردمی بوده است (توکلی، ۱۳۸۵: ۱۲۴). در جریان مبارزه ملت ایران برای ملی کردن نفت و طرد استعمار بریتانیا، مراجع و علمای دینی و روحانیون به سه گروه تقسیم شده بودند. گروهی که اکثریت بزرگی را تشکیل می‌داد، نسبت به مسائل سیاسی بی‌تفاوت بودند. گروه دوم که از لحاظ تعداد کمتر از گروه اول بود، ولی قدرت چشمگیری داشت، علما درباری بودند که ارکان استبداد و حاکمیت محسوب می‌شدند و برخی با بیگانگان ارتباط داشتند. گروه سوم آنهایی بودند که تقوی و تعهد دینی داشتند. اینان یا به جبهه ملی پیوستند و یا از آن حمایت کردند و تعداد قابل توجهی از روحانیون تهران و شهرستان‌ها، به جنبش پیوستند و حتی چند تن از آنان، پس از کودتای ۲۸ مرداد بطور جدی در کنار مردم به مقاومت و مبارزه علیه رژیم کودتا ادامه دادند از جمله این روحانیون باید به حاج ضیاءالدین صدر، سید جوادی، سید رضا زنجانی، جلال موسوی، سید محمود طالقانی، اغانجی، میلانی، شبستری، سید علی قمی و فرزندان وی نام برد (نجاتی، ۱۳۷۶: ۸).

گروه اجتماعی مهم دیگری که رابطه سیال‌تری با جنبش داشت روحانیت بود که در پشت سر آن مجموعه ۱۲۱ بازار قرار می‌گرفت روحانیت در این دوره به گروه‌های گوناگونی تقسیم می‌شد. روحانیت تراز اول بیطرف و منفعل باقی ماند و سعی نمود خود را وارد بازی سیاسی نکند. همچون آیت‌اله بروجردی مجتهد بزرگ شیعه او روحانیت را از پیوستن به حزب‌های سیاسی بازداشت و به آنها توصیه کرد به جای پرداختن به سیاست وقت خود را صرف بازسازی نهادهای مذهبی کنند اما بسیاری از روحانیون از جنبش حمایت کردند کاری که بسیاری از روحانیان متوسط و بلند پایه آن زمان نظیر آیت‌اله زنجانی، آیت‌اله سید محمود طالقانی، آیت‌اله خوانساری و آیت‌اله برقی و دیگران انجام دادند. دسته سوم از روحانیان نیز نه تنها حمایتی از مصدق بعمل نمی‌آوردند بلکه به حمایت از شاه برخاسته بودند مثل آیت‌اله بهبهانی و یا بعداً به آنها پیوستند مثل آیت‌اله کاشانی (آبراهمیان، پیشین: ۴۲۸). آیت‌اله کاشانی بطور فعال در مبارزه برای اجرای قانون ملی کردن نفت. حفظ مصدق در قدرت شرکت داشت و بی‌دریغ از وی حمایت می‌کرد ولی همزمان با جدایی بقایی و مکی از مصدق مخالفین نهضت در مجلس به تدریج در موضعی قرار گرفتند که توانستند میان این دو رهبر نهضت اختلاف بیندازند. مخالفان درست می‌اندیشیدند که با پاشیدن بذر اختلاف می‌توانند حکومت ملی را نابود سازند.

۷- اشتباهات مصدق و رهبری جنبش

۷-۱- انحلال مجلس و انتخابات جدید

اقدام به تعطیلی بی‌موقع مجلس هفدهم و انتخابات مجدد مجلس در آن برهه از زمان که تمامی مخالفان هم قسم به نابودی او و جنبش شده بودند زمان مناسبی نبود که به مخالفان داخلی و خارجی اعلام جنگ داد و همزمان شروع به تغییرات و اصلاحات بزرگ در کشور زد (ویلبر، پیشین: ۲۲۴-۲۲۱). تصمیم مصدق مبنی بر دست زدن به یک رفراندوم بحث برانگیز جهت تعطیل کردن مجلس هدف آسانی را در اختیار کودتاگران قرار داد و احتمالاً شاه را در حمایت از کودتا بیشتر متقاعد کرد و حتی مردم را به مصدق بدبین نمود. چراکه این شائبه را تقویت می‌کرد که مصدق برای مستحکم کردن پایه‌های قدرت خود حاضر است حقوق ملت را نادیده بگیرد و به سمت دیکتاتوری حرکت می‌کند. این درست موضعی بود که مردم و حتی برخی از طرفداران نهضت را نگران می‌کرد. از طرف دیگر مصدق با این اقدامات خود، زمینه را برای شاه فراهم کرد تا در فقدان مجلس، به راحتی مصدق را عزل و زاهدی را به جای او منصوب کند چراکه اگر مجلس برقرار بود شاه مجبور می‌شد نظر مجلس را بخواهد. این امر باعث شده بود که حتی بسیاری از مشاوران و وزرای مصدق با طرح او در انحلال مجلس مخالفت کنند. در اواخر ژوئیه چند تن از نمایندگان طرفدار حائری‌زاده و بقایی در مجلس متحصن شدند. با فلج شدن مجلس مصدق تصمیم گرفت که به ادامه کار آن پایان دهد و انتخابات جدیدی برگزار کند؛ چون مخالفین تهدید کردند که منافع از تشکیل حد نصاب در مجلس خواهند شد، مصدق مجبور گردید که در مرداد به رفراندوم متوسل گردد (گازبوروسکی، پیشین: ۳۳).

۱۲۲

۷-۲- اختلاف در کادر رهبری جنبش ملی

مواردی که سبب اختلاف بین دو رهبر جنبش یعنی آیت‌اله کاشانی و مصدق گردید عبارت بودند از: ۱- اختلاف در شخصیت؛ ۲- اختلاف نظر در مورد عزل و نصب‌ها و سیاست‌ها؛ ۳- عدم تعقیب و مجازات مسبب بین کشتار سی تیر سال ۳۱ از جانب حکومت مصدق به‌رغم پیگیری موضوع از جانب مجلس و کاشانی؛ ۴- پاسخ منفی مصدق به درخواست آیت‌اله کاشانی برای تشکیل یک کنفرانس اسلامی بین‌المللی در تهران؛ ۵- ترس آیت‌اله کاشانی و سایر علمای حوزه قم از چپ روی مصدق و الغای احتمالی رژیم سلطنت توسط مصدق؛ ۷- نهایتاً آنچه که باعث جدایی بازگشت‌ناپذیر دو رهبر نهضت و مخالفت علنی کاشانی با مصدق گردید تصمیم مصدق به انحلال مجلس هفدهم از طریق رفراندوم و مراجعه مستقیم به آرای مردم بود (مقصودی، پیشین: ۱۳۸-۱۳۷). در گزارش‌های هندرسن سفیر آمریکا در ایران آمده است که حسین اعلاء در فروردین ۳۲ با آیت‌اله بروجرودی دیدار کرده و خواستار مشخص شدن موضع او درباره زاهدی شده است. اما او از اعلام

موضع خودداری کرده است. این موارد دقت و حساسیت عقلانی آیت‌اله العظمی بروجردی را در برهه‌ای حساس از حیات سیاسی ایران نشان می‌دهد (ویلبر، پیشین: ۱۶۶).

۷-۳- مدارا با مخالفان و توطئه‌گران

مصدق خود درباره موضع دولت‌اش نسبت به حوادث ۲۸ مرداد و دلایل عدم برخورد و تعقیب مخالفان می‌گوید. من قوه‌ای در اختیار نداشتم که ظرف دو روز بتوانم اخلالگران را تعقیب کنم. اگر قوای انتظامی در اختیار من بود چرا روز نهم اسفند رئیس ستاد ارتش دست از کار کشید. چرا ساعت یک بعد از نصف شب ۲۵ مرداد که عده‌ای از سعدآباد با تانک و افراد مسلح برای دستگیری من و همکارانم حرکت نمودند و از همه جا گذشتن فرماندارای نظامی تهران ممانعت نکرد و حتی یک گزارش هم از این بابت به من نداده بود. من با دستگاهی کار می‌کردم که زیر نفوذ استعمار بود. پس از چند تغییر و تبدیل سرتیپ افشار طوس را در رأس اداره کل شهربانی گذاردم شاید اصلاحاتی بکند او را از بین بردند و با آن همه بیانات و اقراری که متهمین به قتل او در نوار ضبط صوت نمودند همگی بدون استثناء در دادگاه نظامی تبرئه شدند و پرونده قتل او با آن طرز فجیع از بین رفته بود مختوم گردید. دولت اینجانب با چنین مشکلاتی در ظرف آن دو روز چه می‌توانست بکند چون که ابتکار در دست عمال بیگانه بود. اما متأسفانه مهمترین کاستی دولت مصدق تحمل قانون-شکنی‌های آشکار و پنهان شاه، محافظه‌کاران و حزب توده بود. دستکم می‌بایست از آمادگی حزب نیروی سوم برای سازماندهی کمیته‌های محلی نهضت ملی و گارد نهضت ملی پشتیبانی می‌کرد (همان، ۲۲۴-۲۲۵). از جمله اقدامات شگفت‌انگیز مصدق عدم برخورد جدی با عوامل سرکوب قیام سی تیر بود. مصدق با وجود اقدامات قوام در سرکوبی ملت از محاکمه او خودداری کرد و حتی برخی از عوامل حاضر در سرکوب را در کابینه خود بکار گرفت. از جمله سرلشگر وثوق را به کفالت جنگ منصوب کرد. بعد از نافرجام ماندن کودتای ۲۸ مرداد سرتیپ دفتری را که در کودتا دست داشت با وجود مخالفت‌های ریاحی رئیس ستاد ارتش به ریاست شهربانی تهران انتخاب کرد در حقیقت مصدق سیستم امنیتی خود را در اختیار کسانی قرار داد که کودتاجی از آب در آمدند (گازپوروسکی، پیشین: ۱۴۸).

۱۲۳

۷-۴- تخلیه خیابان‌ها و اجرای منع عبور و مرور

یکی دیگر از موضوعات مورد بحث و مناقشه در مورد واکنش مصدق در برابر کودتای ۲۸ مرداد و خودداری او از فراخواندن مردم علیه کودتاگران بود عده‌ای عقیده دارند که مصدق می‌توانست با فراخوان همگانی مردم را از رادیو به خیابان‌ها بکشانند و مانند سی تیر باعث شکست مخالفان‌اش شود و عده‌ای می‌گویند چرا در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد اقدام مؤثری برای تثبیت اوضاع و تعقیب مخالفان دولت انجام نداد. احمد زیرک‌زاده

در خاطرات خود می‌گوید: «در آن روز همه از مصدق بارها و بارها، تک تک و دسته جمعی خواستیم و خواهش کردیم که اجازه بدهند مردم را به کمک بطلبیم. اما مصدق نمی‌خواست درگیری شود و اگر مصدق مقاومت می‌کرد احتمال جنگ داخلی و تلفات زیاد بود و خون‌های زیادی ریخته می‌شد که نه مصدق و نه ما با آن موافق نبودیم» (ویلبر، پیشین: ۲۲۴-۲۲۱). به این ترتیب کودتاچیان مهمترین نیرویی را که طرفدار مصدق بود و از روز اول تا آن زمان و بخصوص در سی تیر حرف آخر را زده بود از میدان بیرون فرستادند، یعنی با ایجاد ناآرامی مصدق را به راه عمل کردن در جهت عکس منافع خود کشاندند (نجاتی، ۱۳۶۴: ۶۵). در این کودتا خبری به جایی درز نکرد و نیروهای طرفدار مصدق نتوانستند پرده از توطئه بردارند. احتمالاً این پیروزی را باید حاصل کوتاهی فاصله زمانی، ابتکار بودن کاری، عدم تکیه‌اش بر نقشه درازمدت و نیز وجود اغتشاش اطلاعاتی دانست که زاییده شلوغی همه‌جانبه و رواج اقسام شایعات درباره انواع کودتا بود و کودتاچیان کاملاً از امتیاز غافلگیری استفاده کردند (کامران، ۱۳۹۳: ۱۱۰). مردم تهران که چند بار توطئه-هایی علیه نهضت ملی را با قیام خود و پشتیبانی از دولت مصدق خنثی کرده بودند، صبح روز ۲۸ مرداد بدون رهبر و فرمانده شاهد تردید و تزلزل رهبران نهضت ملی و خیانت و سهل‌انگاری چند تن از فرماندهان نظامی و روسای سازمان‌های انتظامی بودند. پیروزی سریع کودتاچیان در روز ۲۸ مرداد نه تنها برای ملت ایران بلکه برای روزولت و سردمداران کودتا و انگلیس باورکردنی نبود (نجاتی، ۱۳۶۶: ۴۳۹).

۱۲۴

جبهه ملی کمیته‌هایی برای تعیین سرنوشت سلطنت تشکیل داد صبح روز بعد مصدق پس از گفتگویی سرنوشت‌ساز با هندرسون سفیر آمریکا در ایران که وعده داده بود در صورت برقراری نظم و قانون آمریکا به دولت مصدق کمک خواهد کرد به ارتش فرمان داد تا خیابان‌ها را از همه تظاهر کنندگان پاک سازند جالب اینجاست که مصدق تلاش می‌کرد تا برای پراکنده کردن مردم که پشتیبان اصلی او بودند از ارتش دشمن پیشین خود استفاده کند (آبراهامیان، پیشین: ۳۴۴).

مصدق به درخواست هندسون به شهربانی دستور داد سفارت، کنسولگری و مرکز متعلق به آن آمریکایی‌ها را محافظت کند، تا حوادث آن دو سه روز که در چند جا به آمریکایی‌ها حمله شده بود تکرار نشود حاصل این دستور آزادی عمل بیشتر روزولت و یارانش در نقل و انتقالات شبانه‌هایی بود که برای عملیات فردا لازم می‌نمود (بهنود، ۱۳۷۹: ۳۸۴). وقتی که مصدق به ارتش دستور داد که پشتیبان واقعی خود یعنی مردم را از صحنه دور کنند و شهر را آرام کنند ارتش از این فرصت برای سرکوبی خود مصدق استفاده کرد. مردم در صحنه نبودند، توده‌ای‌ها در نتیجه پشت کردن مصدق به آنها صحنه را ترک کرده بودند. زاهدی با فرماندهی ۳۵ تانک شرم‌انگاز نخست وزیر را محاصره و پس از ۹ ساعت درگیری مصدق را بازداشت کرد (آبراهامیان، پیشین: ۳۴۵).

اگر مصدق با ساده‌لوحی فریب شیطان بزرگ را نمی‌خورد و اجازه می‌داد مردم همانند ترکیه در کودتای ۲۰۱۶ در صحنه باشند و با جان و دل همانند قیام سی تیر ۱۳۳۱ از مملکت دفاع کنند، اجنبی نمی‌توانست برای ملت و کشور ما نقشه پیاده و عملی کند.

نتیجه‌گیری

طراحان کودتا که عاملان اصلی آن سازمان‌های جاسوسی انگلیس و آمریکا بودند با بهره‌گیری از عامل غافلگیر و با استفاده دقیق و موضعی از نیروی نظامی با حرکتی دقیق به کمک دیگر عوامل داخلی توانستند به راحتی بر اوضاع مسلط و پیروز شوند ضمن اینکه مصدق و رهبران جنبش به خیال خود در روز ۲۵ مرداد بر اوضاع مسلط شده و کودتاچیان را شکست داده‌اند. دوم اینکه هدف کودتاگران بسیار روشن بود همان بود که از ابتدا در پی‌اش بودند حذف مصدق، تسلط دوباره بر منافع نفتی و کلا بر ایران به حساب می‌آمد. مردمی که مثل گروه‌های مختلف و ایجاد دسته‌هایی بنام توده‌ای و غیره از خیابان‌ها به دور کردند و بعد با آرازل و اوباش با همکاری ارتشیان پر کردند و سپس از دوطرف وارد عمل شدند یک طرف پول و از طرف دیگر خشنونت و منتظر بودن در صورت آمدن مردم به خیابان که آنها را شدیداً سرکوب کنند. و مصدق این را فهمیده بود و حاضر نبود این بار مردم را به جلوی تیر و تانک وطن‌فروشان و بیگانگان قرار دهد. سوم اینکه پایه پیروزی ۱۲۵ ۲۸ مرداد در سه روز فاصله‌ای ریخته شد که در پی کودتای اول آمد از اینجا مصدق ابتکار عمل را از دست داد و حتی چندان توجهی هم به این امر نکرد احتمالاً به این دلیل که خود را در موضع قدرت کامل می‌دید و تصویری هم از امکان خوردن ضربه دوم نداشت. گرچه تصمیمات اشتباه مصدق در نهایت نداشتن کنترل کامل بر ارتش و آزاد گذاشتن مخالفان از دلایل دیگر است که در طول مقاله به آن اشاره گردید (کامران، پیشین: ۸۹-۱۰۰).

نکته مهم دیگر که باید ذکر کرد پیوستن رئیس شهربانی تهران سرتیپ مدبر به کودتاچیان بود که می‌توانست همان صبح کودتا را در نطفه خفه کند که باعث شد مصدق بسیار سریع تصمیم به تعویض رئیس شهربانی بگیرد و سرتیپ شاهنده از نیروهای وفادار را بجای او بگمارد اما اشتباه بزرگ مصدق این بود که تصمیم خود را عوض کرد و در ساعت ۱۱ صبح سرتیپ دفتری از اقوام نزدیک خود را به جای او گذاشت بی‌خبر از اینکه سرتیپ دفتری از عوامل خودفروش کودتاچیان بود همین باعث شد که در نهایت به باخت قطعی و کامل مصدق انجامید در ساعت شانزده چهل و پنج دقیقه سرتیپ فولادوند از طرف کودتاچیان برای مصدق پیام آورد که ترک مقاومت کند و او خانه خود بلا دفاع اعلام کرد ولی این از شدت حمله نکاست نزدیکان مصدق می‌گفتند که مصدق می‌خواست بماند و در محل بمیرد چون این امر را برای ادامه نهضت مفید می‌دانست اما

وادر به خروج از خانه کردند. باقی داستان دستگیری است و محاکمه و زندان و تبعید در احمدآباد (همان، ۱۲۰). تلاش مصدق برای تصفیه ارتش از عوامل فاسد و کاهش بودجه نظامی در واقع مبارزه مستقیم با قدرت شاه بود و طبعاً بحران جدیدی را در روابط آن دو پدید می‌آورد هدف مصدق این بود که وظایف ارتش را به امور غیرسیاسی محدود سازد. از سوی دیگر ملاکین و ثروتمندان با بعضی از اصلاحات وی مانند افزایش سهم دهقانان از محصول و تجدیدنظر در نظام مالیاتی مخالفت کردند بعلاوه انجام اصلاحات در دادگستری سبب تشکیل یک گروه مخالف نیرومند از قضاوت عالی رتبه شد (ویلبر، پیشین: ۲۲۴). پژوهشگرانی معتقدند که شرایط درونی ویژه و ساختارهای اجتماعی آن زمان اجازه نمی‌داد آنکه جنبش مدنی به سر مقصد منظور رسد (بهنود، پیشین: ۱۴۳). گردان ارتشی حافظ منزل مصدق در خیابان کاخ زیر فرمان سرهنگ ممتاز و سروان داور پناه مقاومت شدید و طولانی از خود نشان می‌دهند ولی کودتا موفق می‌شود. سرگرد سخایی رئیس شهربانی کرمان به خاطر مقاومت و نه پیوستن به صف کودتاچیان به وسیله آنها کشته می‌شود. در آن سال‌ها افراد زیاد و گمنامی به خاطر مبارزه برای آزادی جان خود را از دست می‌دهند. افرادی چون غلامحسین زیرک‌زاده، مهدی شرف‌الدین، قاسم عینکچی، عباس لولو و ...

مفسر آمریکایی اندرو توالی Andrew Tully درباره ماهیت کوتادی ۲۸ مرداد گفت: احمقانه است که بعضی‌ها نوشته‌اند مصدق را ایرانی‌ها برانداختند؛ نه این عملیات از اول تا آخر یک یورش آمریکایی بود (فرد هالیدی، ۱۹۷۴: ۴۳۷). اگرچه در پژوهش مشخص گردید بدون عوامل داخلی مزدور و یا نادان که وسیله اجرای فرامین را در دستور کار داشته آمریکا و انگلیس نمی‌توانستند از دروازه‌های وطن وارد شوند.

۱۲۶

فهرست منابع

- ۱- آبادیان، حسین (۱۳۷۷)، *زندگینامه سیاسی مظفر بقایی*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ۲- آبراهامیان، پروانده (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، مترجمان: احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- ۳- بهنود، مسعود (۱۳۹۰)، *از سید ضیاء تا بختیار*، تهران: انتشارات دنیای دانش و انتشارات جاویدان.
- ۴- بهنود، مسعود (۱۳۷۹)، *گلوله بد است*، تهران: انتشارات نشر علم.
- ۵- پیتر، آوری (۱۹۵۱)، *تاریخ معاصر ایران*، تهران: نشر نی.
- ۶- توکلی، یعقوب (۱۳۸۵)، *بازخوانی کودتای آمریکایی انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۷- جهرمی، کارگر (۱۳۹۲)، «تحلیل روابط کاشانی و نواب صفوی»، *فصلنامه گنجینه*.
- ۸- *سایت انتخاب* (۱۳۹۵)، «کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، *کد خبر ۲۸۶۹۷۲*

- ۹- شهبازی، عبدالله (۱۳۸۷)، **کودتای ۲۸ مرداد**، تهران: موسسه روایت فتح.
- ۱۰- فوران، جان (۱۳۷۷)، **مقاومت شکننده**، مترجم: احمد تدین، تهران: موسسه رسا.
- ۱۱- فرد، هالیدی (۱۹۷۴)، **عربستان بدون سلاطین؛ بریتانیا**.
- ۱۲- کامران، رامین (۱۳۹۳)، **میراث مصدق (مقالاتی درباره مصدق و راه مصدق)**، تهران: انتشارات ایران لیبرال.
- ۱۳- گاز یوزوسکی، مارک (۱۳۶۸)، **کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲**، مترجم: غلامرضا نجاتی، تهران: نشر شرکت انتشار.
- ۱۴- گازویوزوسکی، مارک (۱۳۷۱)، **سیاست خارجی آمریکا و شاه**، مترجم: علی کاظمی، تهران: نشر مرکز.
- ۱۵- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۶)، **تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۵۷-۱۳۲۰**، تهران: نشر روزنه.
- ۱۶- مرکز اسناد اسلامی (۱۳۸۴)، **پایگاه اطلاع‌رسانی**.
- ۱۷- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۶)، **مصدق و سال‌های مبارزه و مقاومت**، تهران: موسسه رسا.
- ۱۸- نجاتی، غلامرضا (۱۳۶۶)، **جنبش ملی شدن صنعت نفت و روز شمار**، نشر انتشار.
- ۱۹- نجاتی، غلامرضا (۱۳۶۴)، **کودتای ۲۸ مرداد**، تهران: نشر سهامی انتشار.
- ۲۰- نوازی، بهرام (۱۳۷۹)، **اسناد امنیت ملی آمریکا**، کتاب الکترونیکی، ش ۲۸.
- ۲۱- ویلبر، دونالدنیوتن (۱۳۸۰)، **عملیات آژاکس**، مترجم: ابوالقاسم راه‌چمنی، تهران: موسسه ابرار معاصر.